

روزی که آتش نشانان، بندر را از شعله‌ها پس گرفتند

به مناسبت روز آتش نشان، نگاهی داریم به سه روز و سه شب تلاش بی‌وقفه فرماندهان آتش نشانی برای نجات جان‌ها در انفجار بندر شهید رجایی



▲ عکس روز فاجعه از آسوشیتدپرس

انفجار روز ششم اردیبهشت ۱۴۰۴ در بندر شهید رجایی، یکی از بزرگ‌ترین حوادث صنعتی سال‌های اخیر بود؛ حادثه‌ای که در چند دقیقه، آرامش منطقه را بر هم زد و بندر استراتژیک جنوب کشور را به صحنه‌ای از شعله، دود و هراس بدل کرد. آتیه‌نوبه مناسبت روز آتش نشان، به روایت لحظات نخست و سرنوشت‌ساز این حادثه پرداخته است. در همان دقایق اولیه، زمانی که هزاران کارگر و کارمند برای نجات خود در حال خروج بودند، گروهی از آتش نشانان با فرماندهی و تجربه سال‌ها خدمت، به سمت کانون حادثه حرکت کردند. این گزارش، روایت تلاش و ایثار آن روز را از نگاه سه فرمانده حاضر در صحنه بازگو می‌کند: سجاد آشوری، سرآتش نشان بندر شهید باهنر؛ محمدامین لیاقت، رئیس سازمان آتش نشانی بندرعباس و عبدالمهدی حسین‌پور، معاون عملیات و فرمانده اطفای حریق بندر رجایی.

نبرد با آتش؛ روایت سجاد آشوری

سجاد آشوری، سرآتش نشان بندر شهید باهنر، هنوز صحنه آن روز را به وضوح در ذهن دارد. وقتی خبر انفجار به گوش رسید، او و تیمش بدون لحظه‌ای تردید، آماده اعزام شدند. اولین اقدام، بررسی وضعیت همکاران و اطمینان از سلامت نیروها بود؛ خوشبختانه همه پرسنل در امنیت بودند. بلافاصله، اکیپ‌های عملیاتی به خودروهای آتش‌نشانی و تجهیزات کامل به سمت مرکز حادثه حرکت کردند.

مسیر رسیدن به محل انفجار، خود آزمونی دشوار بود. خیابان‌ها مملو از خودروهای آسیب‌دیده و افرادی بود که از ترس جان خود فرار می‌کردند. دود غلیظ، آسمان را سیاه پوشانده بود و هشدار نیروهای حفاظتی مبنی بر احتمال انفجار مجدد، خطر را چند برابر می‌کرد. اما تیم آشوری با تجربه و تجهیزات کامل، بی‌وقفه به سوی مرکز حادثه پیش رفت؛ مأموریت روشن بود: رفتن به قلب حادثه و نجات جان‌ها.

وارد بندر که شدند، با صحنه‌ای بی‌سابقه مواجه شدند: کانتینرهای متلاشی شده، اجساد و مصدومان پراکنده، سوختگی‌های شدید و افرادی که تنها با ضربان‌های ضعیف خود به زندگی چنگ می‌زدند. آشوری و تیمش، با همکاری نیروهای امداد، مصدومان را به آمبولانس‌ها منتقل کردند، در حالی که زمین پر از ترکش و اجسام خطرناک بود و فاصله‌ها طولانی و مسیرها دشوار بود.

یکی از سخت‌ترین بخش‌های کار، لحظاتی بود که خانواده‌ها برای یافتن عزیزانشان می‌آمدند. او به یاد دارد دختر بچه‌ای را که با گریه به دنبال پدرش می‌گشت؛ صحنه‌ای طاقت‌فرسا که تا همیشه در ذهنش باقی ماند.

شدت انفجار، اجساد را در فاصله‌ای دور از محل حادثه پراکنده کرده بود و شناسایی قربانیان را به کاری بسیار دشوار بدل کرده بود. عملیات سه روز و سه شب ادامه داشت، بدون استراحت و بی‌وقفه. روز دوم، با توجه به آشنایی آشوری با محیط بندر، مسئولیت هماهنگی نیروهای اعزامی از استان‌ها و شرکت‌های مختلف به او سپرده شد. او با احترام از حضور مدیر بندر، جناب حمیدرضا محمد حسینی، یاد می‌کند که شبانه‌روز در کنار تیم بود و حضورش بزرگ‌ترین دلگرمی برای آتش نشانان به شمار می‌آمد. در این روزها، آشوری و تیمش نه تنها با شعله‌های آتش و دود دست و پنجه نرم می‌کردند، بلکه با چالش‌های فنی و لجستیکی نیز روبه‌رو بودند. مسیرهای پر از کانتینرهای تغییرشکل یافته، کمبود آب و فشارهای روانی ناشی از دیدن مصدومان و قربانیان، هر لحظه فشار کاری را افزایش می‌داد. با این حال، انگیزه نجات جان‌ها، نیرویی فراتر از خستگی و درد برایشان ایجاد می‌کرد. آشوری می‌گوید: «در آن لحظات، تنها یک هدف داشتیم؛ نجات جان انسان‌ها. حتی اگر یک نفر زنده بماند، تمام سختی‌ها ارزش دارد. این جمله، نه تنها روحیه او، بلکه انگیزه کل تیم را برای ادامه عملیات در سه روز و سه شب بی‌وقفه نشان می‌دهد.

مهار آتش؛ روایت محمدامین لیاقت

محمدامین لیاقت، رئیس سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری بندرعباس، از نخستین دقایق پس از انفجار بندر رجایی، صحنه‌ای آکنده از شوک و سردرگمی را به یاد می‌آورد. هزاران نفر در حال ترک اسکله بودند، خودروها تغییر شکل یافته و برخی افراد مجروح و خونین، با عجله به سمت شهر و مراکز درمانی حرکت می‌کردند. در همان ساعات اولیه، بسیاری از مسئولان کشته، فراری یا آسیب‌دیده بودند و تقریباً هیچ راهنمایی برای هدایت عملیات وجود نداشت.

لیاقت می‌گوید: «در ۱۰ ساعت نخست، شرایط بسیار پیچیده بود. نیروهای ما باید هم شهر بندرعباس را پوشش می‌دادند و هم با آتش عظیم اسکله مقابله می‌کردند، در حالی که هیچ راهنمای مشخصی وجود نداشت. «این خلأ مدیریتی، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های اولیه تیم‌های امدادی بود و فشار روانی زیادی بر آتش نشانان وارد می‌کرد.

او ادامه می‌دهد: «برای کنترل آتش، می‌دانستیم که حریق به این بزرگی، ظرف چند ساعت مهار نمی‌شود. بنابراین بلافاصله تمام نیروهای در حال استراحت فراخوانده شدند و با هماهنگی استاندار و مدیریت بحران،

درخواست کمک از استان‌های همجوار شد. همه ارگان‌ها به میدان آمدند و تا ۲۰ تا ۲۴ ساعت بعد، نیروهای جدید به مالمحق شدند. «یکی از بزرگ‌ترین مشکلات، ناشناخته بودن مواد درون کانتینرها بود. لیاقت توضیح می‌دهد: «کانتینرهای بسیار زیادی وجود داشت و ما نمی‌دانستیم درون آن‌ها چه موادی است. برخی مواد به آب واکنش نشان می‌دادند و بسیار خطرناک بودند. این عدم شناخت، امکان وقوع انفجارهای زنجیره‌ای را تقویت می‌کرد و همه چیز را پیچیده‌تر می‌کرد. «به گفته او، دسترسی فیزیکی به کانتینرها چالش دیگری بود. کانتینرها روی هم چیده شده بودند و بسیاری تغییر شکل یافته بودند. ریچ‌ها، ماشین‌آلات ویژه برای جابه‌جایی کانتینرها، در روز اول در محل نبودند و حتی برای برخی کانتینرها باز کردن درب‌ها غیرممکن بود. این محدودیت‌ها، زمان‌بری عملیات و سختی مهار آتش را دوچندان می‌کرد.

با پیشرفت عملیات و کسب اطلاعات بیشتر، لیاقت و تیمش استراتژی چندجانبه‌ای طراحی کردند. نیروهای کمکی از شهرستان‌های مختلف تقسیم‌بندی شدند و چندین محور برای اطفای حریق و جلوگیری از گسترش آتش در نظر گرفته شد. یاد و جهت شعله‌ها، نگرانی جدی ایجاد می‌کرد و این برنامه‌ریزی دقیق، مانع از سرایت آتش به سایر نقاط بندر شد. تأمین آب نیز یکی از چالش‌های بزرگ بود. لیاقت می‌گوید: «برای چنین حریقی به منابع آبی بسیار زیادی نیاز داشتیم. از تمام ظرفیت صنایع و ذخایر قومی آن‌ها استفاده شد و شهرداری نیز مخازن آب سطح شهر را به صحنه آورد. علاوه بر این، هیدرانت‌های زمینی را به آب دریا وصل کردیم و توانستیم از این مخازن عظیم بهره‌برداری کنیم. «۷ لیاقت همچنین به اهمیت همکاری میان سازمان‌ها و نهادها اشاره می‌کند: «صنایع، آتش‌نشانی شهرداری، نیروهای پالایشگاهی و استان‌های همجوار همه با هم هماهنگ شدند. بدون این همکاری گسترده، کنترل حریق تقریباً غیرممکن بود. «

او به تفاوت این حادثه با حریق‌های متعارف صنعتی نیز اشاره می‌کند: «در حوادث پالایشگاهی، نوع مواد و خاموش‌کننده مشخص است. اما در اینجا، ناشناخته بودن مواد و قرارگیری کانتینرها روی هم، شرایط را بی‌سابقه کرده بود. حتی ماشین‌آلات تخصصی هم به خاطر حرارت و تغییر شکل کانتینرها، کارایی کامل نداشتند. «

لیاقت از اهمیت همکاری و هماهنگی نیروهای امدادی و مدیریت بحران سخن می‌گوید و یادآور می‌شود که بدون حمایت مردم و کمک دیگر ارگان‌ها، مهار این آتش عظیم غیرممکن بود: «حمایت روحی مردم، پیامک‌ها و انگیزه بخش‌های

آنان، نیرویی بود که به ما توان داد تا نزدیک به یک هفته، به صورت جاتانه به عملیات ادامه دهیم. همه ما دست‌پوش مردم هستیم. «این روایت، نشان‌دهنده ابعاد مدیریتی و عملیاتی پیچیده حادثه است؛ از شوک اولیه، خلأ هدایت و نبود اطلاعات کافی، تا نیاز به استراتژی چندجانبه، تأمین منابع و هماهنگی سازمان‌ها. محمدامین لیاقت با تأکید بر آموزش، آمادگی و ارتقای ایمنی، پیامی واضح به مسئولان بندر می‌فرستد: ایمنی نباید قربانی کوتاهی یا ناشناخته بودن مواد شود و باید به‌طور جدی رعایت شود تا دیگر چنین فجایعی تکرار نشود.

بحران ملی؛ روایت عبدالمهدی حسین‌پور

عبدالمهدی حسین‌پور، معاون عملیات سازمان آتش‌نشانی و فرمانده عملیات اطفای حریق بندر شهید رجایی، از نخستین لحظات حادثه، صحنه‌ای دشوار و بی‌سابقه را به یاد می‌آورد. در زمان وقوع انفجار، او در سطح شهر بود و صدای مهیب و لرزش ناشی از انفجار، بلافاصله هشدار داد که حادثه‌ای جدی رخ داده است. با هماهنگی فوری ستاد فرماندهی، مشخص شد کانون حادثه منطقه صنعتی و اسکله بندر رجایی است و نیروهای عملیاتی بلافاصله به سمت محل حرکت کردند.

در مسیر، با تراфик سنگین و صحنه‌های دلخراش مواجه شدند: خودروهای دفرمه شده، افراد زخمی و خونین، مردمی که به سرعت از منطقه دور می‌شدند. حسین‌پور می‌گوید: «تصویر اولیه، شوک شدیدی بود. هزاران نفر در حال خروج، و شرایطی که حتی راهنمایی برای هدایت آن‌ها ممکن نبود. این وضعیت فشار روانی زیادی روی نیروها ایجاد کرد. «

با فراخوانی تمامی آتش نشانان در شیفت استراحت، حدود ۴۰ نفر به همراه ۷۰ تا ۸۰ دستگاه خودروی امداد و اطفاء، در همان لحظات اولیه به محل حادثه رسیدند. برآورد اولیه و آغاز عملیات، نقطه شروع نبردی طولانی بود؛ آتش وسیع، کانتینرهای متلاشی شده و اجساد بر زمین افتاده، همه در کنار هم فشار کار را دوچندان می‌کرد. حسین‌پور به نقطه عطف مدیریت بحران اشاره می‌کند: «به سرعت متوجه شدیم این حادثه دیگر یک بحران شهری یا استانی نیست، بلکه بحران ملی است. بنابراین با مسئولان بالادست هماهنگ شدیم تا از شهرهای معین و استان‌های همجوار نیرو درخواست کنیم. «این تصمیم، اهمیت راهبرد مدیریتی و بسیج گسترده منابع را نشان می‌دهد. شرایط سخت نیروها و کمبود امکانات اولیه، فشار روانی را افزایش می‌داد. حسین‌پور می‌گوید: «نزدیک به ۲۰ تا ۲۴ ساعت حتی دسترسی به تلفن نداشتیم تا به خانواده‌ها خبر بدهیم. تمام تمرکز ما بر انجام عملیات بود و حمایت مردم، پیامک‌ها و روحیه بخشی آن‌ها، نیروی ما را تقویت می‌کرد. «

در کنار فشار جسمی و روانی، چالش‌های عملیاتی ویژه‌ای وجود داشت. گستردگی حریق، ناشناخته بودن مواد درون کانتینرها و امکان واکنش شیمیایی آن‌ها، نیاز به دقت و هماهنگی چندجانبه داشت. همچنین، نگرانی از گسترش شعله‌ها به سایر نقاط بندر، برنامه‌ریزی چندمحوره را ضروری می‌کرد. هر بخش از عملیات به هماهنگی دقیق میان تیم‌ها، تقسیم‌بندی نیروهای کمکی و استفاده بهینه از منابع آب و ماشین‌آلات نیاز داشت. او حادثه بندر رجایی را نمونه‌ای از ضرورت آمادگی ملی می‌داند: «این حادثه باید به ما یادآوری کند که آموزش، هماهنگی و آمادگی برای مقابله با فجایع صنعتی، تنها راه پیشگیری از خسارات جانی و مالی گسترده است. امیدوارم تمامی ارگان‌ها این درس را جدی بگیرند و دیگر شاهد چنین حوادث ناگواری نباشیم. «

در پایان، حسین‌پور بر پیام اجتماعی و انسانی حادثه تأکید می‌کند: «شاهد تلاش‌های جاتانه آتش نشانان و حمایت مردم بودیم. این همکاری و همبستگی، رمز موفقیت در چنین بحران‌های بزرگی است. همه ما دست‌پوش مردم و همه همکاری هستیم که جاتانه در خط مقدم ایستادند. «



عباس اکبری

مدیرکل تأمین اجتماعی هرمزگان

حادثه بندر عباس و آزمون عملی تأمین اجتماعی

انفجار و آتش‌سوزی مرگبار در اسکله شهید رجایی بندرعباس که علاوه بر خسارات جانی، بخش بزرگی از ظرفیت اقتصادی استان هرمزگان را دچار اختلال کرد، واکنشی سریع و چندلایه از سوی نهادهای حمایتی طلب می‌کرد. در این میان، اداره کل تأمین اجتماعی هرمزگان بلافاصله وارد عمل شد و خدمات خود را در دو حوزه کارگاه‌های خسارت‌دیده و خانواده‌های آسیب‌دیدگان متمرکز کرد. تمرکز اصلی در گام نخست بر برداشتن فشار مالی از صنایع آسیب‌دیده بود تا امکان بازسازی و ادامه فعالیت پیدا کنند. صاحبان این واحدها اجازه یافتند لیست بیمه اردیبهشت ماه را بدون پرداخت وجه ارسال کنند و برای ماه‌های بعد نیز تنها موظف به پرداخت یک سوم حق بیمه شدند. باقی مبلغ در قالب اقساط دریافت شد تا بار اقتصادی ناشی از حادثه کمرشکن نباشد. این تصمیم به کارفرمایان و کارگران اجازه داد در کوتاه‌ترین زمان چرخه تولید و اشتغال را از سر بگیرند و از فروپاشی واحدهای اقتصادی جلوگیری شود.

وجه مهم‌تر اقدامات اما به حمایت مستقیم از کارگران مصدوم، بیکار و خانواده‌های قربانیان بازمی‌گشت. تأمین اجتماعی با خارج کردن پرونده‌ها از روند عادی و رسیدگی فوری، غرامت دستمزد، مستمری بازنماندگان و بیمه بیکاری را در کمترین زمان برقرار کرد. خدمات درمانی رایگان به مصدومان ارائه شد و خانواده‌های جانب‌اختگان بدون نیاز به مراجعات حضوری از حمایت‌های معیشتی برخوردار شدند. این روند برای کاهش فشار روانی و مالی روزهای نخست پس از فاجعه طراحی شد تا بازماندگان بتوانند با کمترین دغدغه معیشتی دوره بحرانی اولیه را پشت سر بگذارند.

یکی از نکات برجسته در این بحران، توجه به کارگران روزمزدی بود که بیمه‌ای نداشتند اما در صحنه حادثه حضور داشتند. مسئولان تأمین اجتماعی با حضور میدانی وضعیت این افراد را ثبت کردند و آنان را به عنوان کارگر شاغل محسوب کرده و تحت پوشش بیمه قرار دادند. به این ترتیب، مزایای قانونی شامل غرامت دستمزد و مستمری بازنماندگان برای خانواده این گروه نیز برقرار شد؛ اقدامی که کمتر سابقه‌ای از آن در حوادث مشابه دیده شده بود و نشان داد دامنه حمایت اجتماعی می‌تواند فراتر از چارچوب‌های اداری گسترش یابد.

با این حال، ابعاد گسترده حادثه چالش‌های تازه‌ای به همراه آورد. در مواردی هیچ اثری از پیکر قربانیان باقی نمانده بود و همین موضوع روند شناسایی و صدور گواهی فوت را که لازمه آغاز حمایت‌های بیمه‌ای است، دشوار کرد. اداره کل تأمین اجتماعی برای رفع این مانع، دستورالعمل‌های ویژه‌ای به دستگاه‌های مرتبط ارسال کرد تا مسیر قانونی صدور اسناد تسهیل شود. روند شناسایی اجساد با آزمایش‌های تخصصی زمان‌بر بود، اما نهایتاً به سرانجام رسید و تمامی قربانیان شناسایی شدند. اکنون بستر ارائه کامل خدمات فراهم است و سازمان اعلام کرده هیچ خانواده‌ای از حمایت‌ها ج‌انخواهد ماند.



شهید رجایی، بزرگ‌ترین بندر تجاری ایران، محل عبور بیش از ۵۵ درصد صادرات و واردات کشور است و پس از انفجار، فعالیت تجاری متوقف شد، مدارس و ادارات تعطیل و ساکنان برای جلوگیری از مسمومیت در خانه ماندند.

ما چرا چه بود؟

بعد از ظهر شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴، انفجاری مهیب بندر شهید رجایی را لرزاند. علت حادثه، محموله‌ای بسیار خطرناک بود که تحت عنوان کالای معمولی وارد و دپو شده بود. بر اساس اعلام رسمی، ۷۰ نفر جان خود را از دست دادند، ۱۲۴۲ نفر مصدوم و ۶ نفر مفقود شدند و ۵ نفر نیز دچار سوختگی شدید شدند. بندر